

بررسی چالش‌های مدیریتی در روستاهای ایران (مطالعه موردی روستای صفی آباد-شهر جوانرود)

حمید حیدری مکرر^۱، یاسر نظری^۲

چکیده

تجربیات مدیریت روستایی در ایران در طول دهه‌های گذشته حکایت از فقدان یک ساختار مدیریتی قوی دارد، که نتایج حاصل از آن را می‌توان در تخلیه شدن روستاها، مهاجرت روستائیان، تشدید شدن مسایل و مشکلات شهرهای بزرگ مانند تهران و در نهایت عدم دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار در کشور بیان کرد. مدیریت روستایی در ایران از گذشته دور تاکنون با چالش‌های ساختاری و مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبرو بوده است. با توجه به اهمیت موضوع، بهبود مشارکت مردم در توسعه روستایی به منظور بهبود شاخص‌های تسهیل‌گری، پایداری، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جوامع محلی در مدیریت روستایی هدف پژوهش حاضر را شامل می‌شود. در این راستا روش تحقیق به کار برده شده توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی می‌باشد. در بخش مطالعات اسنادی از جدیدترین یافته‌های علمی داخلی و خارجی بهره گرفته شد. سپس ۱۵۰ پرسش‌نامه در دو بخش طراحی گردید و ۵۰ پرسش‌نامه در اختیار شوراها و نخبگان محلی (از قبیل مسئولان دهیاری‌ها، شوراها، شوراهای اسلامی و متخصصین روستا) قرار گرفت، همچنین طی ۱۰۰ پرسش‌نامه از ساکنان روستای صفی آباد خواسته شد تا در چارچوب طیف لیکرت مشکلات مدیریت روستایی را در سطح روستا بیان دارند. نتایج بدست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS-16 و برای آزمون فرضیه از روش کای اسکوتر تک متغیره استفاده شد. نتایج نشان داد که کمبود منابع مالی، عدم هماهنگی شورا، دهیاری و مردم و نبود آموزش کافی از جمله مشکلات مدیریت روستایی است. مهم‌ترین مشکل در مدیریت روستایی کشور عملکرد دولت است، هر چند که به باور دهیاران اختیارات این نهادهای مدیریتی کافی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت روستا، روش کای اسکوتر، چالش مدیریت، SPSS-16، روستای صفی آباد

۱. استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه زابل

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه زابل Nazari.yaseer38@gmail.com

مقدمه

با توجه به اهمیتی که مدیریت روستایی در تحقق اهداف روستایی دارد، مدیریت روستایی ایران باید به دانایی محوری تکیه کند و نیروهای لازم برای دانایی محوری در روستاهای کشور را فراهم کند. بررسی وضعیت مدیریت روستایی در طول دوران‌های گذشته نشان می‌دهد که قبل از پیدایش دولت‌های قانونی جامعه روستایی علاوه بر اینکه قادر به حل تمامی مشکلات اقتصادی و اجتماعی خود بوده بلکه تأمین کننده مواد غذایی شهرها نیز محسوب می‌شد. متأسفانه با حضور تشکیلات دولتی که پس از مشروطیت و مخصوصاً پس از اصلاحات ارضی صورت گرفت، شیرازه مدیریت روستا از هم گسیخت. در تاریخ گذشته ده نشینی ایران، روح اجتماعی انسان همواره طلب می‌کرده که هر جامعه برای حفظ و بسیج نیروها و نیل به هدف‌های خود نیازمند مدیریت باشد (لمپتون، ۱۳۷۷: ۵۱). موضوع مدیریت جوامع روستایی نیز همواره ضرورت وجود مدیری منطبق با احوال مختلف خود را احساس می‌کرده که برخاسته از بطن جامعه بوده و قادر باشد رهبری آن را در اختیار گیرد، تا همه افراد تحت رهبری وی در نیل به اهداف اصلی خود یعنی تولید مواد مورد نیاز از زمین و تأمین امنیت خاطر، قادر گردند. چنین مدیری از دوران‌های بسیار قدیم با نام‌های «دیهیک»، «دهبان» و «کدخدا»، همواره در ده حضور داشته است، اما اصلاحات رژیم گذشته با حذف کدخدا از مدیریت ده، اوضاع اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی را بهم ریخت و پس از آن هیچ یک از نهادهای مدیریتی نتوانستند جای خالی کدخدا را پر کنند (ازکیا، ۱۳۶۵: ۲۱). به ویژه در دهه‌های اخیر به دلیل فروپاشی نظام سنتی مدیریت در این مناطق و جایگزینی شیوه‌های شبه دموکراتیک که ریشه در بطن جامعه ایرانی نداشتند، نوعی ناهنجاری بر نظام مدیریت روستایی کشور حاکم گشت. تجربه مدیریت روستایی در ایران شامل دو بخش است. بخش اول تا دوره اصلاحات ارضی که با مدیریت مالک بوده است و بدون ارزش‌گذاری اخلاقی خوب یا بد، کارکرد نسبتاً قابل قبولی داشت. اما بخش دوم که پس از اصلاحات ارضی قابل مشاهده است و با ورود دولت به

روستاها مطرح می‌شود و آن مدیریتی دولتی است. نگاهی به اوضاع و احوال روستاهای کشور حکایت از آن دارد که متأسفانه دولت‌های گذشته به روستا و روستایی‌بهای لازم را نداده‌اند. بررسی وضعیت مدیریت روستایی در طول دوران‌های گذشته نشان می‌دهد که قبل از پیدایش دولت‌های قانونی جامعه روستایی علاوه بر اینکه قادر به حل تمامی مشکلات اقتصادی و اجتماعی خود بوده، بلکه تأمین‌کننده مواد غذایی شهرها نیز محسوب می‌شد. متأسفانه با حضور تشکیلات دولتی که پس از مشروطیت و مخصوصاً پس از اصلاحات ارضی صورت گرفت، شیرازه مدیریت روستا از هم گسیخت، به طوری که جمعیت روستاها جهت تأمین نیروی انسانی کارخانجات مناطق شهری روانه شهرهای بزرگ شدند. تشکیلات دولتی عملاً نتوانستند به بهبود وضعیت روستائیان پردازند و از طریق اجرای برنامه‌های عمران روستایی روند توسعه روستایی را تسریع نمایند (موسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۸۱). شوراهای محلی که در شهرها و روستاها تشکیل می‌شوند وظیفه مدیریت امور عمومی را دارند، گرچه گستره امور عمومی مربوط به سازمان‌های محلی دمکراتیک در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته بسیار محدود است، اما می‌توان امیدوار بود که با روشن شدن کارکردهای مثبت واگذاری اداره امور مردم و مشارکت آن‌ها در مدیریت جامعه، به تدریج این گستره افزایش یافته و مردم در تمامی امور عمومی مربوط به محل زندگی از مسکن و اشتغال گرفته تا فراهم کردن فضاهای فراغتی و حفظ میراث تاریخی و فرهنگی به شوراها مراجعه نمایند. با این وجود، شوراها در انجام وظایف و کارکردهای خود با چالش‌هایی مواجه‌اند. یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی شوراها، چالش‌های اجتماعی است (ایمانی جاجرمی و کریمی، ۱۳۸۸: ۹۰). یکی از خلأهای اساسی روستاهای ایران، کمبود مطالعات و تحقیقات و ضعف شناخت در مورد آن‌ها است. اگر بپذیریم که خصیصه بارز این مناطق پیچیدگی آن‌هاست، به نحوی که هر روستا یک پروژه محسوب می‌شود، آنگاه نیاز عمیق به شناخت افزون‌تر آن‌ها به منظور اتخاذ تصمیمات خردمندانه آشکار می‌گردد. چنین است که تهیه اسناد مدیریتی در توسعه روستایی، گامی بسیار

برجسته تلقی می‌شود (یدقار، ۱۳۸۳: ۷۲). گره مدیریت روستایی در ایران طی چند دهه گذشته و شاید در یک‌صد سال اخیر در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین معضل و چالش برنامه‌ریزان و متخصصین بوده است. این مسئله همان قدر که در هر یک از ابعادش اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، برای روستا و روستائیان که به گفته لمپتون اساس حیات اجتماعی ایران بر آنها استوار است، حائز اهمیت می‌باشد. با این حال هدف اصلی در این مقاله تا حدی حل مسئله و بازگشایی این گره و همچنین با بررسی تشکلهایی مانند دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستا، چالش‌های موجود در مدیریت روستایی می‌باشد. زیرا بر آگاهان پر واضح است که برطرف سازی مشکلات مدیریت روستایی از عهده یک گروه متخصص و محقق نیز فراتر است. اما هدف اساسی، شناخت نگرش‌های گذشته و موجود مدیریت روستایی به ویژه از دیدگاه عملکردی با توجه به تحولات ساختاری سال‌های اخیر در مدیریت روستایی است. بدیهی است مرور تجربه‌های مفید کشورهای دیگر از زمینه‌هایی است که می‌تواند در این شناخت و نیز برای اتخاذ تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از سوی متولیان امر مؤثر افتد و با توجه به این موضوع، یک جمع بندی درباره مدیریت روستایی در ایران و آرایه یک راهکار به منظور بهبود این فرایند اقدام شود.

سؤال:

آیا عدم مشارکت مردم در مدیریت روستایی باعث چالش شده است؟
 آیا بی توجهی دولت در همکاری بین شورا و ادارات مدیریت روستا را به چالش می‌کشد؟

مبانی نظری:

مفهوم مدیریت روستایی: انجام کارهای جمعی نیازمند هماهنگی است که تأمین آن بر عهده مدیریت است. هرچه کار ساده باشد، مدیریت مربوط به آن نیز ساده و هرچه کار پیچیده باشد، نیازمند مدیریتی پیچیده خواهد بود. مدیریت، مهم‌ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می‌کند (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۶). هنگامی که از مدیریت روستایی سخن به میان می‌آید، ممکن است لزوماً منظور مدیریتی اندیشیده شده و برنامه‌ریزی شده نباشد؛ به عبارتی، نقش عرف، عادات و سنن در مدیریت روستایی تعیین کننده است (طالب، ۱۳۷۶). پارادایم جدید مدیریت روستایی در ایران در محورهای مدیریت زمین و تولید کشاورزی، مدیریت زیر ساخت‌ها و خدمات زیربنایی، مدیریت مالی و نظام درآمد هزینه برای روستاها، مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار و مدیریت برای کاهش فقر و عدالت اجتماعی قابل بررسی است. هر یک از محورهای فوق در دهه‌های قبل دارای شدت و ضعف در عملکرد و اجرا، حتی گاه به عنوان راهبرد اساسی در برنامه‌های کلان مطرح بوده است. بررسی جنبه‌های مختلف این محورها بیان کننده گستردگی مفهوم مدیریت روستایی در ایران است (قدیری معصوم، ۱۳۸۳: ۱۷۸). در پژوهش حاضر، مدیریت روستایی که به مفهوم مجموعه‌ای اعم از دولتی یا مردمی، فردی یا گروهی و در اشکال کلان و خرد است. گستردگی مفهوم مدیریت روستایی علاوه بر اینکه مشکلات رسیدگی به امور مربوط به روستاها را بیان می‌کند؛ طریقه مواجهه مطلوب با روستا و برنامه‌ریزی روستایی را برای کارشناسان و متخصصین آشکار می‌سازد. یکی از نکات مهم در مفهوم مدیریت روستایی، درک مناسب از روستا است. بدین معنی که شناخت روستا و تمیز آن از شهرک‌ها و مکان‌های حاشیه‌ای رهنمون مؤثری است که برای روستا و درک مدیریت یک واحد سکونتگاهی مؤثر است. موانع و تنگناهای پیش روی مدیریت روستایی را می‌توان به موانع و چالش‌های درونی یا مردمی و بیرونی یا سازمانی طبقه بندی و تقسیم کرد. در ادامه به طور مختصر به هر یک از این چالش‌ها می‌پردازیم:

چالش‌های درون روستایی:

۱. بی‌سوادی و نارسایی‌های آموزشی، حدوداً ۷۰ درصد از روستاییان و عدم دسترسی روستاها به بسیاری از شیوه‌های جدید اطلاع‌رسانی غالباً اطلاعات به صورت شفاهی در روستاها پخش می‌شود، نتیجه آن نبود آگاهی اجتماعی از مزایای فعالیت‌های مشارکت جویانه بوده و سبب کاهش ظرفیت مشارکت در روستاییان شده است.
۲. کاهش حس تعاون در بین روستاییان که خود باعث می‌شود فرصتی برای بروز جنبه‌های مثبت شخصیتی افراد کمتر به چشم بخورد. بخش اعظم چنین وضعیتی ناشی از بروز الگوهای پدرسالارانه تصمیم‌گیری ایجاد می‌گردد (بهروران، ۱۳۹۰: ۲۷۶).
۳. مقاومت در برابر تغییر و نوآوری، پابندی به برخی مسائل زائد در امر تولید، توزیع و حتی در روابط اجتماعی سبب می‌شود که روستاییان با برخی از تغییرات تکنولوژیکی و یا مدیریتی مخالفت کنند و در برابر آن‌ها مقاومت نمایند، نرخ مقاومت به همین دلیل شاخص مناسبی برای عملکرد مدیریت است (ایمانی، ۱۳۹۱: ۶).
۴. کمبود افراد متخصص، اغلب افراد غیر بومی وظایف مدیریتی در روستاها بر عهده می‌گیرند یا این که به دلیل تمرکزگرایی دولت مرکزی و نارسایی‌های موجود در شوراها برای اخذ تصمیم به صورت مستقل، اغلب تصمیم‌گیری‌ها ماهیتی غیر بومی داشته‌اند، نتیجه این فرایند، آن بوده است که نگرش روستاییان به این گونه تصمیمات اغلب منفی است (ایمانی، ۱۳۹۱: ۶).
۵. مشارکت مردمی محلی، دهیاری‌ها و شوراها روستاها، نهادهای محلی هستند که مشروعیت و کارآمدی آن‌ها رابطه عمیقی با حضور و مشارکت مردمی محلی دارد. شناسایی الگوها و مدل‌های مشارکت ویژه اجتماعات کوچک و بازشناسی و بهره‌گیری از تجربه‌های فرهنگی و سنت‌های شایسته گام‌های مهمی است که باید بر ایجاد ماهیت مشارکتی دهیاری‌ها و فاصله از مدل‌های بوروکراتیک دیوانی برداشته شود.

۶. فقدان انباشت تجربه اجتماعی در خصوص مدیریت روستایی که می‌تواند از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری کند و زمینه و شرایط را برای تحقق هدف‌های مدیریت توسعه روستایی فراهم کند.

۷. وجود تشکلهای غیر رسمی در درون حوزه‌های مدیریتی روستا؛ همان‌طور که می‌دانیم فرهنگ ما آمیخته با دوستی‌ها، علائق و صمیمیت‌های مفرط بوده به طوری که منجر به باند بازی و گروه‌گرایی در درون سازمان‌های مرتبط با مدیریت روستایی می‌گردد (الوانی، ۱۳۸۴: ۴).

چالش‌های برون روستایی:

۱. در نتیجه عدم توجه به مدیریت درون‌زای روستایی و روشن نبودن جایگاه واقعی سه نهاد دولت، مردم و بازار و واگرایی اهداف آن‌ها، تشخیص نیازها را در جامعه روستایی با مشکل مواجه ساخته است (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳).

۲. فقدان نهاد تنظیم‌کننده و هدایت‌گر برنامه‌های عمرانی و ناظر بر اجرای برنامه‌ها در سطح کشور (سعیدی، ۱۳۸۹: ۱۴۶).

۳. نبود ساختار سازمانی و تشکیلات منسجم و یکپارچه؛ توسعه و عمران روستایی ماهیت «چند بخشی» و یا «بین بخشی» دارد، این سازمان‌ها در اجرای یک وظیفه واحد غالباً به ارائه خدمات می‌پردازند و چون هنوز تفکیک وظایف بین آن‌ها صورت نگرفته است، دوباره کاری‌هایی دیده می‌شود (وثوقی، ۱۳۸۶: ۲۵۳). به رغم فعالیت‌های سال‌های اخیر در جهت ایجاد هماهنگی سازمانی و تأکید اصل ۱۰۳ قانون اساسی مبنی بر الزام رعایت سازمان‌های دولتی از تصمیمات شوراهای روستایی در حدود اختیارات شوراها، عملاً شوراها توان متمرکز کردن فعالیت‌های خود را ندارند و هنوز تداخل وظایف سازمان‌ها یکی از معضلات روستاهای کشور است (نوذریور، ۱۳۸۲: ۸).

۴. فقدان انباشت تجربه اجتماعی در خصوص اعمال مدیریت روستایی که می‌تواند از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری و شرایط را برای تحقق هدف‌های توسعه روستایی فراهم کند (علینی، ۱۳۸۴: ۱۰۰).
۵. نظام مدیریت روستایی ایران یک نظام کنترل و نظارت کارآمد برای پیگیری برنامه‌های عمرانی با سایر برنامه‌های مربوط به روستا ندارد. به همین دلیل برنامه‌های عمرانی با مشکل بهره‌دهی و به ثمر رسیدن روبرو می‌باشند.
۶. مدیریت با ماهیت برون‌زا؛ به دلیل تمرکز گرایی دولت مرکزی و نارسایی‌های موجود در شوراهای برای اتخاذ تصمیم به صورت مستقل، تصمیم‌گیری‌ها اغلب ماهیت غیر بومی داشته، در نتیجه روستاییان نگرش منفی نسبت به تصمیمات اخذ شده دارند و آن را در راستای منافع دولتی می‌دانند (افراخته، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

چالش‌های اقتصادی - اجتماعی:

۱. پراکندگی شدید نقاط جمعیتی روستایی، تعدد مراکز جمعیتی، کوچک بودن و ناپایداری بسیاری از آن‌ها؛
۲. عدم وجود ساختارهای مشارکتی (سازمان‌های غیر دولتی) توانا و تحرک بخش به جوامع روستایی؛
۳. نامناسب بودن وضع مالکیت ارضی و نظام بهره برداری کشاورزی؛
۴. عدم انسجام اجتماعی بین تولید کنندگان خرد روستایی؛
۵. روابط نامتعادل شهر و روستا و در نتیجه توسعه نیافتگی جامعه روستایی؛
۶. کمبود سازمان‌ها و نهادهای مردمی برای مشارکت در توسعه روستایی؛
۷. دشواری نگهداری جمعیت در محیط‌های روستایی به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی؛
۸. شهر گرایی روستائیان که عامل تهدید توسعه روستایی است؛
موانع نهادی و ساختاری:

۱. تسلط ساختار بخش‌نگری (با وجود تاکید بر جامعیت و فضایی بودن برنامه‌ها) بر کلیت برنامه‌ها؛

۲. عدم ارتباط منسجم و کارا بین سازمان‌های اجرایی در جهت رسیدن به اهداف برنامه و وجود ساختار مدیریتی متمرکز (از بالا به پایین) با وجود پذیرش منطقه‌ای و استانی کردن برنامه‌ها؛

۳. وجود ساختار فضایی متمرکز در نظام مکانی-فضایی کشور و اهمیت کانون‌های شهری نسبت به سکونتگاه‌های روستایی و عدم اعتقاد بعضی از تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان در ساختار برنامه‌ریزی کشور به امر توسعه روستایی؛

۴. فقدان برنامه جامع توسعه روستایی و همچنین فقدان الگو و مدل مشخص برای توسعه روستایی؛

۵. عدم وجود هماهنگی بین سازمان‌ها و مراکز مسوول توسعه روستایی و تداخل وظایف آن‌ها با یکدیگر و نابسامانی در مدیریت سرزمین و کاربری اراضی و نبود برنامه‌های دراز مدت و کاربردی برای سازماندهی سنجیده مراکز و فضاهای روستایی کشور؛

۶. عدم وجود جایگاه مشخص قانونی در زمینه برنامه‌ریزی روستایی کشور؛

۷. ناقص بودن سطوح برنامه‌ریزی در کشور به صورت نداشتن برنامه‌ریزی در سطح محلی با عدم تفکیک دقیق مسوولیت‌های برنامه‌ریزی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی؛

مشکلات دهیاری‌ها و شوراها

۱. بسیاری از مشکلات از خارج به روستا تحمیل می‌شوند. از جمله این موارد که می‌تواند نهاد دهیاری را فلج کند، ناهماهنگی و تداخل وظایف سازمان‌های مرتبط با روستا است که ممکن است، هر کدام از فرماندهی جداگانه‌ای با اهداف و سیاست‌های

خاص خود وارد روستا شوند و توقعاتی در راستای اهداف خود داشته باشند. مزید بر این‌ها اغلب سازمان‌های ذی‌ربط جهت‌گیری و الگوی شهری دارند تا روستایی؛

۲. شورای اسلامی و دهیاری روستا، دو نهاد مکمل یکدیگر هستند، شورا که نهاد تصمیم‌گیر، برنامه‌ریزی و ناظر است، به دلیل شرایط و ضوابط و انتخاب اعضا، معمولاً سطح تحصیلاتی پایین‌تر از دهیار، که حداقل باید دیپلم باشد، دارند و از حیث تاسیس دو نهاد مکمل در جامعه روستایی، در سال‌های اخیر، تحول، چشم‌انداز و امید تازه‌ای در مدیریت پریشان و نابسامان روستایی کشور ایجاد کرد است؛

۳. از مشکلات اساسی این دو نهاد، علاوه بر جلب نیروی کارآمد و کارآفرین، تنگنا و مشکلات اعتباری و هزینه‌های جاری آن‌ها است. کمک‌های دولتی باید به گونه‌ای آن‌ها را مدد رساند که ضمن حفظ استقلال آن‌ها، روز به روز بر زمینه‌های خودکفایی آن‌ها بیفزاید (دفتر مطالعات برنامه و بودجه، ۱۳۸۵: ۱۱).

پیشینه تحقیق:

لیکین (۱۹۹۲) با بررسی عوامل موثر بر عملکرد شغلی کارکنان نتیجه گرفته است که عواملی همچون زمان ناکافی، عدم همکاری دیگران، کمبود امکانات، تجهیزات و ابزار مناسب باعث عملکرد شغلی افراد می‌شود. ساندرسوامی و پروما (۱۹۹۲) در تحقیقی با عنوان متغیرهای تاثیرگذار بر عملکرد شغلی کارشناسان کشاورزی در ایالت‌های بنگلور و کیسور هند نتیجه گرفتند که متغیرهای نیاز به پیشرفت، سن، تجربه، رضایت شغلی، درگیری شغلی، استقلال شغلی، جو و تعهد سازمانی، آموزش ضمن خدمت و استرس شغلی به طور معنی‌داری بر عملکرد شغلی افراد تأثیر می‌گذارد. گودا و سیدارمای (۱۹۹۹) طی مطالعه‌ای در هند به این نتیجه رسیدند که مشارکت جمعی هم بر ادراک شغلی و هم بر عملکرد شغلی تأثیر معنی‌داری بر جای می‌گذارد. مک کافری (۲۰۰۵) و دنیس (۲۰۰۵) نیز عوامل چهارگانه محیط و امانات فیزیکی، مهارت‌ها و آموزش‌های مورد نیاز، ارزیابی عملکرد، انتظارات شغلی را در بهبود عملکرد موثر می‌دانند. نتایج

متعدد تحقیق نشان داده‌اند که عواملی همچون همکاری سازمان‌ها، رضایت شغلی دهیار، همکاری شورا، مشارکت‌های مردمی، میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی ویژه دهیاران، تجهیزات دهیاری، درآمد دهیار، موقعیت مکانی روستا، مشورت با افراد مختلف (ریش سفیدان و رهبران محلی، اعضای شورا)، داشتن سابقه مدیریت روستایی در خانواده و انگیزه دهیار از عوامل موثر در کیفیت کار دهیاری‌ها هستند (چوبچیان و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۸). قدیری معصوم و ریاحی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران نتیجه گرفتند که در روند مدیریت روستایی دو مقطع زمانی تا قبل از انقلاب اسلامی و پس از انقلاب اسلامی است که تا قبل از انقلاب اسلامی، تفکرات مدیریت روستایی متکی بر دیدگاه‌های حاکمان و حکومت‌ها و اعمال قوانین از سوی آن‌ها بود و پس از انقلاب، مدیریت روستایی بر محور بینش روستائیان و جامعه روستایی استوار گردید و از این رو مشارکت روستائیان در اداره روستاها از دهه‌های قبل در چارچوب قانون به صورت سازمان یافته و فراگیر شکل گرفت. جعفری نژاد و همکاران (۱۳۸۹) بیان کرده‌اند که سنجش رابطه روستائیان با دهیاری‌ها نشان از رضایت مردم از عملکرد دهیاری‌ها و مشارکت روستائیان است. تحقیقات متعدد نشان می‌دهند که روستائیان از عملکرد دهیاران، رضایت در حد متوسط و بالاتر دارند که این نشان از عملکرد خوب و توانایی و ظرفیت‌های بالای دهیاران در اداره و مدیریت روستا دارد. در رابطه با رضایت روستائیان از دولت، باید گفت که آن‌ها رضایت در حد پایین‌تر از متوسط از سازمان‌های متولی توسعه روستایی (دولت) دارند؛ لذا روستائیان رضایت نسبتاً خوبی از سازمان‌های متولی توسعه روستایی که در روستاها به فعالیت می‌پردازند، ندارند. تحلیل رابطه رضایت‌مندی روستائیان از عملکرد دهیاری‌ها با رضایت‌مندی آن‌ها از سیاست‌های دولت نیز نشان می‌دهد که رضایت از دهیاری‌ها باعث افزایش رضایت از دولت می‌گردد. در رابطه با میزان مشارکت مردم با دهیاری‌ها باید گفت که میزان مشارکت مردم بالاتر از حد متوسط و خوب است. پس روستائیان با دهیاران به نحو مؤثری مشارکت دارند. محمد

زاده لاریجانی و قربانی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان بررسی چالش‌های ساختاری مدیریت روستایی در ایران نتیجه گرفتند که به طور کلی روند مدیریت روستایی ایران در دوره‌ی پس از انقلاب از جنبه قوانین نشان می‌دهد که اگر چه تحولاتی در این دوره نسبت به دوره‌های قبل صورت گرفته، لیکن بررسی عملکردها گویای آن است که بینش صحیح و هدفمند در سیاست و برنامه‌های کلان در مدیریت روستایی برقرار نبوده است.

فرضیه:

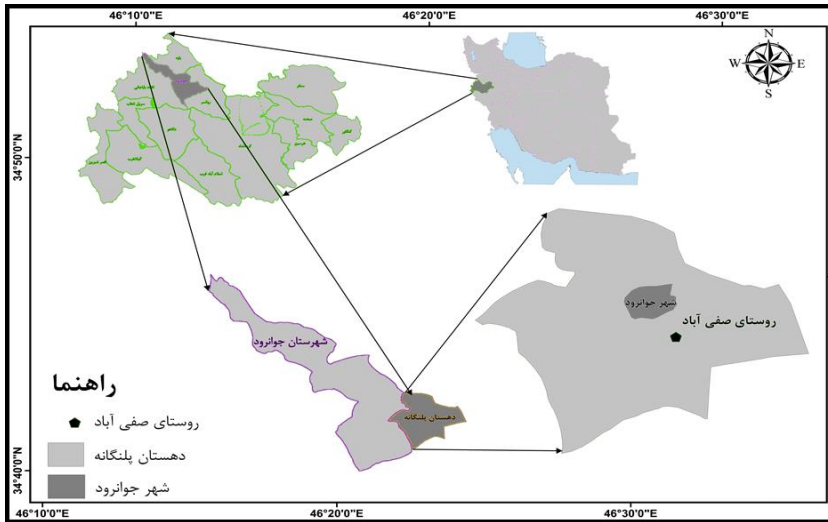
عدم مشارکت مردم در مدیریت روستایی باعث چالش شده است. بی‌توجهی دولت در همکاری بین شورا و ادارات مدیریت روستا را به چالش می‌کشد.

روش‌شناسی تحقیق

الف: معرفی منطقه مورد مطالعه:

روستای مورد مطالعه، صفی‌آباد در جنوب شرقی شهرستان جوانرود قرار گرفته که یکی از شهرستان‌های استان کرمانشاه می‌باشد که در شمال غربی این استان بین حداکثر ۳۵ درجه و ۷ دقیقه و حداقل ۳۴ درجه و ۴۰ دقیقه عرضی شمالی و حداکثر ۴۶ درجه و ۳۴ دقیقه و حداقل ۴۵ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. این شهرستان در ادامه رشته کوه مهم زاگرس بین کوه‌های شاهو و بنی‌گز قرار گرفته است. وسعت شهرستان جوانرود در سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳، ۱۴۱۳ کیلومتر مربع بوده که به دلیل تقسیمات سیاسی کشوری به ۷۶۵ کیلومتر مربع در سال ۱۳۸۹ کاهش یافته است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۹ دارای دو بخش مرکزی و کلاشی، ۴ دهستان و ۱۰۲ آبادی بوده است. می‌توان گفت که نزدیک ۷۰ درصد ساکنان شهرستان، شهرنشین هستند و ۳۰ درصد از ساکنان شهرستان در نقاط روستایی سکونت دارند، در

سال ۱۳۷۵، این میزان ۴۸/۸ درصد شهری و ۵۰/۸ درصد روستانشین بوده است و بقیه غیر ساکن بوده‌اند.



شکل شماره ۱: نقشه موقعیت معرفی منطقه مورد مطالعه

ب- روش تحقیق

روش تحقیق کاربردی بوده است. چگونگی جمع‌آوری اطلاعات نیز به دو صورت روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع متنوع داخلی و خارجی و روش میدانی بوده است. در روش میدانی از ابزار پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد که ابزار فوق شامل سؤالات بسته و طیف لیکرت به همراه سؤالات باز بوده است.

ج- جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری تحقیق از بین مردم، دهیاران و اعضای شورا انتخاب شده است. حجم نمونه ۱۵۰ نفر بوده است. توزیع پرسشنامه به این شکل بوده است که به صورت نمونه گیری تصادفی ساده که ۵۰ پرسش‌نامه در اختیار شوراها و نخبگان محلی روستا و ۱۰۰ پرسش‌نامه از ساکنان روستای صفی‌آباد داده شد (از قبیل مسئولان دهیاری‌ها، شوراهای اسلامی و متخصصین روستا). کل پاسخ دهندگان روستای مورد نظر ۱۵۰ نفر بوده است.

یافته های تحقیق

فرضیه ۱: عدم مشارکت مردم در مدیریت روستایی باعث چالش شده است. برای آزمون این فرضیه از روش کای اسکوئر تک متغیره استفاده می شود. بر این اساس فرضیه های H_0 و H_1 به شرح زیر هستند:

H_0 : تفاوت معنی داری بین پاسخ مردم در زمینه عدم مشارکت مردم در مدیریت روستایی وجود ندارد.

H_1 : تفاوت معنی داری بین پاسخ مردم در زمینه عدم مشارکت مردم در مدیریت روستایی وجود دارد.

در جدول (۳) مشخص است که سطح معنی داری از ۰/۰۵ بالاتر است، لذا فرضیه H_0 رد نمی شود. می توان نتیجه گرفت که با توجه به اینکه نظر پاسخ دهندگان دال بر وجود عدم مشارکت مردم در مدیریت روستایی است و با توجه به عدم وجود تفاوت بین دیدگاه آنها می توان نتیجه گرفت که مدیریت روستایی با مشکل عدم مشارکت مردم در مدیریت روستایی روبرو است. (جدول ۳).

جدول شماره ۱: عدم مشارکت مردم در مدیریت روستایی

متغیر	درجه آزادی	مربع کای	سطح معنی داری
عدم مشارکت مردم در مدیریت روستایی	۵۵	۳/۴۳	۰/۰۸

فرضیه ۲: بی توجهی دولت در همکاری بین شورا و ادارات مدیریت روستا را به چالش می کشد.

برای آزمون این فرضیه از روش کای اسکوئر تک متغیره استفاده می شود. بر این اساس فرضیه های H_0 و H_1 به شرح زیر هستند:

H_0 : تفاوت معنی داری بین پاسخ مردم در زمینه بی توجهی دولت در همکاری بین شورا و ادارات، وجود دارد.

H_1 : تفاوت معنی داری بین پاسخ مردم در زمینه بی توجهی دولت در همکاری بین شورا و ادارات، وجود ندارد.

در جدول (۴) مشخص است که سطح معنی داری از ۰/۰۵ کمتر است، لذا فرضیه H_0 رد می شود. می توان نتیجه گرفت که با توجه به اینکه نظر پاسخ دهندگان دال بر وجود بی توجهی دولت در همکاری بین شورا و ادارات است و با توجه به عدم وجود تفاوت بین دیدگاه آن ها می توان نتیجه گرفت که مدیریت روستایی با مشکل بی توجهی دولت در همکاری بین شورا و ادارات روبرو است. (جدول ۴).

جدول شماره ۲: بی توجهی دولت در همکاری بین شورا و ادارات (در سطح ۰/۰۱ معنی دار است)

متغیر	درجه آزادی	مربع کای	سطح معنی داری
بی توجهی دولت در همکاری بین شورا و ادارات	۲۳	۱۸/۰۷	۰/۰۰

د- پایایی و روایی تحقیق

جهت پایایی تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که همان طور که در جدول شماره ۲ مشخص است، ابزار تحقیق پایایی مناسبی دارد. باید توجه شود که ضریب فوق برای هر طیف لیکرتی که طراحی شده بود، محاسبه گردید. جهت روایی تحقیق نیز از نظر کارشناسان جغرافیا و مدیریت بهره برده شد.

جدول شماره ۳: پایایی پرسشنامه

شماره	نگرش	ضریب آلفای کرونباخ
۱	نگرش پاسخگویان نسبت به عدم مشارکت مردم در مدیریت روستایی	۰/۶۷
۲	نگرش پاسخگویان نسبت به بی توجهی دولت در همکاری بین شورا و ادارات	۰/۷۸

اطلاعات توصیفی

اکثر پاسخگویان به میزان ۶۵ درصد مرد هستند (جدول شماره ۱) و بیشترین سطح تحصیلات به میزان ۴۲ درصد مربوط به افراد با سطح تحصیلات دیپلم می باشد (جدول

شماره ۲). میانگین سنی پاسخگویان ۲۴ سال است و بیشترین سن، ۶۵ سال و کمترین سن، ۱۸ سال بوده است.

جدول شماره ۴: وضعیت جنسیتی پاسخگویان

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
زن	۴۷	۲۹
مرد	۱۰۳	۷۱
جمع	۱۵۰	۱۰۰

نتیجه گیری

در این تحقیق موانع و چالش‌ها به همراه وضعیت کنونی مدیریت روستایی کشور مورد بررسی قرار گرفت. سابقه استفاده از مشارکت مردمی در مدیریت روستایی در جهان طولانی است آژانس آمریکایی توسعه بین‌المللی معتقد است بدون همکاری شوراهای روستایی، انجام بررسی‌های کارشناسی روستایی در آمریکای مرکزی عملی نیست.

در کشور هندوستان نیز شوراهای روستایی سهم بالایی در مدیریت روستایی دارند. به همین دلیل دولت هندوستان درصدد تشکیل و تقویت شوراهای روستایی برآمده است، اما شوراهای روستایی در انجام وظایف با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی روبرو هستند. هم اکنون دولت هند به دنبال راهکارهایی است که به وسیله آن‌ها بتواند مسائل اقتصادی شوراها را در مدیریت روستایی رفع نماید تا نقش آن‌ها در حل مسائل جامعه روستایی افزایش یابد در هند علاوه بر شوراهای اسلامی تشکل‌های غیر دولتی نیز در مدیریت روستا دخالت می‌نمایند.

با این توضیحات تجربه مدیریت روستایی در ایران را می‌توان به دو بخش جدا از هم تفکیک نمود: بخش اول تا دوره اصلاحات ارضی که با مدیریت مالک بوده است و بدون ارزش‌گذاری اخلاقی خوب یا بد، کارکرد نسبتاً قابل قبولی داشت. اما

بخش دوم که پس از اصلاحات ارضی قابل مشاهده است که ورود دولت به روستاها مطرح می‌شود و مدیریت، دولتی است. این مدیریت همواره با چندین مشکل مواجه بوده است. البته لازم به ذکر است این مدیریت مسائل پشت پرده‌ای نیز دنبال می‌کرده است که باعث عدم توجه وافی به پیش زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... در اجرای صحیح این مدیریت در روستاها شده است. از مسائل پشت پرده می‌توان به اهتمام دولت و بوروکراسی دولتی برای ورود به روستاها و تحکیم پایه‌های سیاسی خود نام برد و دیگری تبدیل روستاییان به مصرف‌کنندگان تولیدات مصرفی چه غربی و چه داخلی و در یک معنا ورود در نظام جهانی سرمایه‌داری است.

در نهایت نتایج حاکی از آن است که دولت و شوراها به همراه دهیاری‌ها نتوانسته‌اند پل مناسبی بین مردم و نهادهای اجرایی برقرار نمایند که موجب گردیده هماهنگی بین این نهادها کاهش یابد. در عین حال دولت نیز به باور پاسخگویان مهم‌ترین نهاد مشکل ساز در مدیریت روستایی بوده است. از جمله مشکلات مالی که دلایل عملی نشدن برخی برنامه‌های روستایی مدنظر دهیاران و اعضای شورا بوده است. از طرفی پاسخگویان معتقد بودند که اختیاراتی که به دهیاری و شوراها داده شده کافی می‌باشد و مشکل مدیریت روستایی را در اختیارات نهادهای اجرایی و قانون‌گذاری نمی‌دانستند و پاسخگویان معتقد بودند که نبود آموزش چه به مدیران و چه به اعضای شورا از جمله مشکلات مهم بر سر راه تحقق اهداف از پیش تعیین شده است.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵)، توسعه روستایی در ایران، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲. افراخته، حسن (۱۳۸۸)، مدیریت روستایی با تاکید بر ایران، تهران، نشر گنج هنر.
۳. ایمانی جاجرمی، حسین و کریمی، علیرضا (۱۳۸۸)، مجله توسعه روستایی، دوره اول شماره ۹۰، ۱.
۴. ایمانی، بهرام، (۱۳۹۱)، «چالش‌های فراروی مدیریت روستایی در ایران». دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، ۱۳۹۱.

۵. بهروان، حسین (۱۳۹۰)، جامعه شناسی روستایی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۶. جعفری نژاد، کلاتری مسعود، منتظری، صمدی، مسعود (۱۳۸۹)، بررسی جایگاه دهیاری‌ها به عنوان نهادهای میانجیگری بین دولت و مردم (مورد مطالعه روستاهای شهرستان نجف آباد)، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۹ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا،
۷. چوبچیان، شهلا، کلاتری، خلیل، شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۶)، عوامل موثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گیلان، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۲، سال ۱۰
۸. دفتر مطالعات برنامه و بودجه (۱۳۸۵): تحلیلی بر جایگاه دهیاری‌ها و توسعه روستایی در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۹. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و سجاسی قیداری، حمدالله و عینالی جمشید (۱۳۸۶)؛ نگرشی نو به مدیریت روستایی با تاکید بر نهادهای تاثیرگذار؛ فصلنامه روستا و توسعه شماره ۲، صفحه ۱۵.
۱۰. سعیدی، عباس (۱۳۸۹)، ده مقاله در شناخت سکونتگاه‌های روستای، تهران، نشر مهر مینو.
۱۱. طالب، مهدی (۱۳۷۶)، مدیریت روستایی در ایران چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران
۱۲. علینی، محسن، بررسی زمینه‌های تاریخی و چالش‌های ساختاری مدیریت روستایی در ایران، تحول اداری شماره ۵۴، ۱۳۸۴، ۵۵.
۱۳. قدیری معصوم، مجتبی و ریاحی، وحید، ۱۳۸۳، عنوان بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی، صص ۸۳-۶۱
۱۴. لمپتون، ا. ک. س، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، چاپ چهارم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷
۱۵. محمد زاده لاریجانی، فاطمه و قربانی، سحر ۱۳۸۹، عنوان بررسی چالش‌های ساختاری مدیریت روستایی، صص ۴۵-۳۲
۱۶. موسسه توسعه روستایی ایران (۱۳۸۱)، گزارش هم اندیشی توسعه روستایی، محور شماره ۲۴، مجموعه مقالات همایش چالش‌ها و چشم اندازهای توسعه ایران، موسسه عالی آموزشی و پژوهشی مدیریت برنامه ریزی، صص ۱۴
۱۷. نوذریپور، علی، دهیاری‌ها و مدیریت روستایی، ماهنامه دهیاری‌ها، شماره ۱ خرداد ماه، ۱۳۸۲، صفحه ۸
۱۸. الوانی، مهدی، مدیریت عمومی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۴

۱۹. وثوقی، منصور، جامعه‌شناسی روستایی، نشر کیهان، تهران، ۱۳۸۶
۲۰. یدقار، علی (۱۳۸۳)، «روند تحول و چالش‌های عمران و توسعه روستایی در ایران» پژوهش‌های جغرافیایی-شماره ۴۸، ۹۰، ۱۳۸۳-۷۱

21. Dennis, E. and Erdmann, D. (2005) : "Improvement of job performance", available on:<http://www.traintoingrain.com/tda/2005/03/improvingperfo.html>
22. Gowda, N.S. and Siddaramaih, B.S. (1999) : "Job perception and job performance of extension guides in Karnataka". Mysore-Journal of Agricultural Science. 23:3, 411-415;
23. Likane, Jeffrey (1992) : Assessment of the Situational and Individual Components of Job Performance. Texas: A & M University. Department of Management.
24. Maccaffery, Jim (2005) : "Job performance". Available on: www.studies_online.org
25. Sundaraswamy, B. and Peruma, L. G. (1992) : "Variable influencing, the job performance of assistant agricultural officers". Karnataka Journal of Agricultural-Sciences. 5:3, 249-254